

## بررسی گروه های تأثیرگذار ایرانی مقیم عثمانی بر اوضاع فرهنگی ایران در آستانه ی انقلاب مشروطیت

دکتر داوود اصفهانیان<sup>۱</sup>

شهر روز ماشینچی ماهری<sup>۱</sup>

### چکیده

ایران و عثمانی به دلیل همجواری با یکدیگر، علاوه بر روابط سیاسی، دارای ارتباطات فرهنگی و تبادلات تجاری و نیز بودند، حلقه ی ارتباط میان این دو کشور توسط گروه هایی چون تجار، علمای نجف، محصلان ایرانی در استانبول، روشنفکران متواری و روزنامه ها بودند که هر یک به جای خود تأثیرات بسزایی در ایجاد ارتباط میان ایران و عثمانی ایفا می کردند که البته در این میان نقش روزنامه ها و علما پررنگ تر از سایر گروه ها بوده است؛ به طوری که روزنامه ها بازتاب افکار روشنفکران و دیگران به مردم بودند و به طور ریزبینانه تمامی اوضاع داخلی و خارجی کشور را زیر نظر داشتند و با مقالات روشنگر خود باعث بیداری افکار مردم می گردیدند. در این مقاله سعی بر آن است تا با تفکیک گروه های تأثیرگذار بر روابط فرهنگی میان دو کشور، به میزان تأثیرگذاری و روشنگری آنان اشاره کنیم و به بررسی جایگاه آنان در میان ایرانیان بپردازیم.

**واژگان کلیدی:** روزنامه ها، تجار، علمای نجف، محصلان، روشنفکران

۱. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، آذربایجان شرقی، ایران.

مسئول مکاتبه: [shahrooz\\_m\\_m@yahoo.com](mailto:shahrooz_m_m@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۲

۹۳/۹/۱۹ [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

## مقدمه

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در خصوص تبادلات فرهنگی میان ایران و عثمانی که چه در داخل و چه در خارج از کشور توسط افرادی همچون فاطمه ترکچی که مقاله‌ای تحت عنوان «بستر مبادلات فرهنگی ایران با عثمانی در آستانه‌ی انقلاب مشروطه» انجام داده و یا مقاله‌ای که توسط مجله کیهان فرهنگی تحت عنوان «رویدادهای فرهنگی ایران و جهان» به نگارش درآمده است و مقالات و تحقیقات داخلی دیگر، باید از آن نمود که در مقالات چاپ شده به طور مستقل و چندجانبه به مسائل فرهنگی از دیدگاه‌های مختلف پرداخته نگردیده و تنها گوشه‌ای از رویدادها و اقشار و اصناف مورد مطالعه قرار گرفته است و در مشابه خارجی آن نیز مقالاتی تحت عنوان‌های "Ottoman administration of Iraq" و نیز "Face-to-Face Mirrors in the Constitution" نوشته‌ی احمد جانسیز و دیگران به چاپ رسیده است که در آن‌ها نیز به طور مفصل و اخص در خصوص گروه‌های تأثیرگذار در تبادلات فرهنگی دو کشور مطالب چندانی به دست نداده‌اند. به همین دلیل، در این مقاله سعی بر آن است تا با در کنار هم قرار دادن گروه‌ها و اصناف و مواردی که باعث تبادلات فرهنگی و تأثیرگذاری فرهنگ اروپایی از طریق عثمانی بر ایران و نیز آگاه ساختن مردم ایران با اصطلاحات و افکار روز دنیا که از استانبول که به عنوان دروازه‌ی ورودی این افکار، ذکر شده و به عنوان مهد و پناهگاه گروه‌های رانده شده از سوی حکومت وقت آن زمان، و نیز تجار و سایر گروه‌ها، این اطلاعات از راه‌های مختلف وارد ایران می‌گردیده، بررسی نماید و آن‌ها را به چالش بکشانند.

## تجار

روابط بازرگانان ایرانی با تجار خارجی صرفاً به مبادلات تجاری و اقتصادی خلاصه نمی‌شد، بلکه باعث به وجود آمدن نوعی ارتباطات معنوی بین آنان می‌گردید. این رابطه‌ی معنوی دو جنبه داشت: اول این که تجار ایرانی به طور مستقیم با مظاهر تمدن

جدید و افکار و اندیشه های سیاسی، اجتماعی سایر کشورها از طریق همصنفا ن خارجی خویش آشنا می شدند. دوم آن که فرزندان این تجار به منظور تحصیل، به کشورهای اروپایی و عثمانی اعزام می شدند و در پایان تحصیلات، هنگامی که به ایران باز می گشتند، از عوامل کارآمد در راستای اطلاع رسانی و بیداری هم میهنان خویش به شمار می آمدند (اشرف، ۱۳۷۹: ۶۵).

روابط تجاری ایران با عثمانی و اروپا، به خصوص پس از انعقاد قرارداد صلح پاسارویچ در سال ۱۱۳۰ هجری قمری / ۱۷۱۸ میلادی به دلیل باز شدن راه تجاری ایران و اروپا از طریق عثمانی، گسترده تر شد (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۴۱)، و در نتیجه، تعداد بسیاری از بازرگانان ایرانی در استانبول اقامت گزیدند. این بازرگانان با مهاجران و تبعیدشدگان مقیم استانبول که به دلیل سیاست استبدادی قاجار و فضای اختناق آلود ایران به عثمانی می رفتند و روز به روز بر تعدادشان افزوده می شد، تماس داشتند و چون آنان فاقد درآمد کافی و در نتیجه عدم استفاده از امکانات رفاهی بودند، بازرگانان تصمیم گرفتند در این زمینه به آنان کمک نمایند و با یکدیگر متحد شوند. در همین راستا در سال ۱۳۰۱ هجری قمری، مدرسه و در سال ۱۳۰۴ هجری قمری بیمارستانی برای ایرانیان مقیم استانبول ساختند (خان ملک ساسانی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

پیتر آوری معتقد است: تبریز و خوی که از مراکز عمده ی تجارت با عثمانی بودند، از طریق این کشور با جهان غرب ارتباط بازرگانی و فرهنگی برقرار می کردند و همین تماس باعث شد که روحیه ی مردم آذربایجان، به خصوص تبریزی ها، در امر مشروطه طلبی و آزادی خواهی تحکیم یابد (آوری، همان: ۱۲۶). اساساً رونق فعالیت های بازرگانی، زمینه ی اولیه ی تماس های خارجی را پس از طلوع قدرت قاجار در ایران فراهم کرد و تجار ایرانی مقیم استانبول، به دلیل تماس با سیدجمال الدین اسدآبادی، مجذوب عقاید و افکار وی شدند و این امر در بیداری آنان و در نتیجه انتشار افکار وی در ایران و عثمانی تأثیر بسزایی داشته است (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۴۶۷).

از جمله اقدامات تجار در راستای کمک به انقلاب مشروطه و آزادی خواهان ایرانی تأسیس انجمن سعادت در استانبول بود که باعث جمع شدن آزادی خواهان در این انجمن می شد. این تجار تمامی هزینه ها و مخارج این انجمن را تأمین می کردند (متعضد، ۱۳۶۶: ۳۱۸). ایرانیان در استانبول انجمنی به نام انجمن سعادت ایران بنیاد نهادند که این انجمن در بیرون از ایران خود را نماینده‌ی انجمن ایالتی آذربایجان شناساند و میان تبریز و نجف و شهرهای اروپا و دیگر جاها میانجی گردید. بدین سان که هر آگاهی که از انجمن تبریز می رسید، آن را به همه جا می پراکند و هر درخواستی را که انجمن تبریز می کرد، آن به پارلمان های اروپا می رساند (کسروی، ۱۳۴۶: ۴۰).

طاهرزاده‌ی بهزاد، اسدالله ممقانی را رئیس این انجمن، و کسانی چون معاضدالسلطنه، توفیق بیگ (مدیر روزنامه توفیقی) و دهخدا را اعضای مؤثر و مهم آن معرفی می کند. به این ترتیب، ملاحظه می شود که بازرگانان چگونه در جرگه‌ی آزاد اندیشان و مشروطه خواهان قرار گرفتند و چه نقش مهمی در مشروطه خواهی مردم و همچنین به ثمر رساندن انقلاب مشروطیت ایفا نمودند. کمک های مادی این بازرگانان نیز در این زمینه بسیار کارساز و قابل توجه بوده است (طاهرزاده‌ی بهزاد، ۱۳۶۲: ۳۶۱).

## علمای نجف

نجف، مرکز روحانیت شیعه در عثمانی، مرکز ترویج افکار آزادی خواهی و تقویت روح مبارزه علیه استعمارگران روسیه و انگلستان بود. علمای نجف با صدور احکام واجب الاطاعه، همچون تحریم تنباکو، نخستین گام را در راستای بیداری افکار مردم مسلمان و شیعه مذهب ایران برداشتند. آنان با اعزام شاگردان تربیت یافته‌ی خویش به ایران، مردم را به سمت آزادی خواهی ارشاد می نمودند (Aktep, 1970 : 59). در میان طلاب و محصلان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، جوانانی بوده اند که شوری در سر داشته و طالب تحول و بهبود اوضاع و ترقی مسلمانان و برانداختن نفوذ اجانب و تأسیس مدارس به سبک جدید برای تربیت اطفال و بی نیاز کردن مسلمانان از ممالک غیر مسلمان و ترویج امتعه‌ی

وطني بوده‌اند. عده‌ای از طلاب جوان و روشنفکر، از قبیل شیخ اسدالله ممقانی، نویری ایروانی و دیگران، به قیادت سید اسدالله خرقانی، انجمنی تشکیل دادند و درباره‌ی افکار نوین بحث و گفتگو می‌کردند (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۱/۲۰۶). به این ترتیب، ملاحظه می‌شود، که اکثر علمای نجف نیز با آزادی خواهان تشریک مساعی می‌کردند و در بیداری افکار مردم ایران نقش مهمی داشتند، آنان با انتشار بیانیه‌ها مردم را نسبت به امور سیاسی روز آگاه می‌کردند. این علما همچنین با روزنامه‌های آن زمان در ارتباط بودند و مردم را به مطالعه‌ی این نشریات تشویق می‌نمودند (Kucuk, 1981: 160).

کسروی در این زمینه می‌نویسد: «یکی از چیزهایی که مایه‌ی رواج روزنامه‌ی *حبل المتین* گردید، این بود که حاجی زین العابدین تقی‌اف، پول بسیاری فرستاد که روزنامه به علمای نجف و دیگر جاها بی‌پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد، و شادروان شیخ حسن ممقانی که این زمان با فاضل شریانی که هر دو تن مرجع تقلید می‌بودند، به ستایش *حبل المتین* برخاست و مردم را به خواندن آن برانگیخت» (کسروی، ۱۳۴۶: ۹۵).

### محصلان ایرانی در عثمانی

نبود مدارس و مراکز علمی مناسب، یکی از مشکلات فرهنگی ایران در قرن نوزدهم میلادی بود. این امر، به خصوص برای خانواده‌های اشراف و دیوانیان، در زمینه‌ی تربیت فرزندانشان و آماده‌سازی آنان به منظور اداره‌ی امور اداری و کشوری، مسائل بسیاری ایجاد می‌کرد. به همین دلیل، این خانواده‌ها، با صرف مخارج سنگین، فرزندانشان را برای آموزش به اروپا، روسیه و عثمانی می‌فرستادند. منابع در خصوص تحصیل ایرانیان در خارج از کشور، به ویژه در عثمانی، بسیار پراکنده و ناقص است. روزنامه‌ی *اختر بهترین* منبع موجود و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی در این مورد است. با توجه به نوشته‌های این روزنامه، بیشتر محصلان ایرانی در خارج از کشور از خانواده‌ی اشراف بودند که پس از اتمام تحصیلات خود، وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی - اداری کشور می‌شدند و به

خدمت دولت درمی آمدند. از جمله‌ی این افراد، می‌توان از میرزا فرج الله خان و میرزا صادق خان نام برد که بعد از فارغ التحصیلی، به مراتب بالای کشور نائل شدند (روزنامه‌ی اختر، ۱۳۰۲: ش ۴).

حاجی پیرزاده نیز که در سال ۱۳۰۸ هجری قمری وارد استانبول شد، در سفرنامه‌ی خویش از دیدار خود با میرزا صادق خان صحبت می‌کند که وی فارغ التحصیل مدرسه‌ی سلطانی در استانبول و مصدر بسیاری از مشاغل دولتی در عثمانی است (پیرزاده، همان: ۲/۸۴). کمال افندی، از دیگر تحصیل کردگان مدرسه‌ی سلطانی در رشته‌های مختلف از جمله نظام بوده است. پدر وی میرزا حبیب اصفهانی از روشنفکران ادیب ایرانی بود که بنا به دلایل سیاسی در سال ۱۲۸۳ هجری قمری به عثمانی گریخته بود. وی در آنجا به تألیف، ترجمه و تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول شد و از اعضای انجمن معارف عثمانی بود (ریاحی، همان: ۲۴۵). علوم و فنون نظامی از دیگر رشته‌های تحصیلی مدارس استانبول بود که جوانان ایرانی را به خود جذب می‌کرد. البته ناگفته نماند که شاگردان ایرانی، به منظور آموزش و تحصیل در این شاخه‌ی به خصوص، بنا به درخواست سلطان عثمانی و از سوی درباریان ایران به استانبول اعزام می‌شدند (سرمد، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

از جمله محصلان ایرانی در مدرسه‌ی نظام، عبدالحمیدخان است که از آزادی خواهان پیرو میرزا آقاخان کرمانی بود. عبدالحمیدخان در آن زمان عضو حوزه‌ی آدمیت استانبول محسوب می‌شد که میرزا آقاخان برپا داشته بود. وی پس از بازگشت به ایران، در زمره‌ی امنای مجمع آدمیت در تهران قرار گرفت (آدمیت، ۱۳۷۵: ۳۵۲)، و از دوستان نزدیک عباس قلی خان آدمیت بود. وی همچنین به دلیل خدمت مؤثر در نظام، به لقب یمین نظام مفتخر شد، اما در جریان به توپ بستن مجلس، با قوای نظامی محمدعلی شاه همکاری نکرد؛ به همین دلیل، زندانی و سپس از تمام درجات نظامی خلع گردید. لکن پس از خلع محمد علی شاه از سلطنت، مجدداً به خدمت نظام خوانده شد و لقب سردار مقتدریافت و مدتی بعد به مقام معاونت وزیر جنگ منصوب گردید (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۲۹).

این محصلان ایرانی، به هنگام تحصیل در عثمانی، با افکار آزادی طلبی و مشروطه خواهی آشنا می شدند، با روشنفکران متواری همچون میرزا آقاخان کرمانی ارتباط برقرار می نمودند و از اندیشه های آنان الگوبرداری می کردند. از این رو، بعد از بازگشت به وطن، در جرگه ی روشنفکران و مشروطه طلبان وارد می شدند. اینان نیز در نشر افکار آزادی خواهی و پیروزی انقلاب مشروطیت نقش بسزایی داشتند (بامداد، ۱۳۵۷: ۲/۳۵۲).

### روشنفکران متواری به عثمانی

روشنفکران و آزادی خواهان بسیاری به دلیل استبداد حکومت قاجار، به خصوص در عهد ناصری، به خاک عثمانی پناه بردند و به تنویر افکار و اندیشه های هموطنان خویش پرداختند. همجواری استانبول با اروپا و آشنایی نزدیک، آن با افکار و ایدئولوژی غربی و بازتاب های شدید غربی در آنجا، باعث جذب افرادی از ایرانیان، که دل خوشی از نظام سیاسی - استبدادی قاجار نداشتند، شده بود. این افراد با استفاده از آزادی نسبی که در عثمانی وجود داشت، دست به تألیف و ترجمه ی کتاب هایی زدند که در نشر افکار و اندیشه های نوین در ایران نقش بسزایی داشت. این روشنفکران در عثمانی با یکدیگر در ارتباط و تبادل اندیشه بودند. تأسیس روزنامه ی اختر از نتایج مفید همین روابط بود (آرین پور، همان: ۱/۳۹۰). میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی از چهره های شاخص این گروه هستند که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری، به دلیل اتهام و انتساب به بابی گری، به استانبول رفتند و تحت تأثیر عقاید و اندیشه های سیدجمال الدین اسدآبادی قرار گرفتند. آنان همچنین با سایر روشنفکران ارتباط برقرار کردند و با علمای نجف، سامرا، ایران و رجال و مردم پایتخت و شهرهای ایران مکاتبه نمودند و آن ها را به اتحاد اسلام دعوت می کردند (همان: ۱/۳۹۵).

## روشنفکران ایرانی استانبول دیده

بسیاری از روشنفکران ایرانی که از نیمه‌ی دوم سده‌ی ۱۹ میلادی تا آستانه‌ی انقلاب ۱۹۰۸ میلادی عثمانی، در آن سامان زندگی و فعالیت کرده و چه بسا که با ترکان جوان و آزادی خواهان آن دوره‌ی عثمانی ارتباط داشته‌اند، چنان که باید و شاید شناخته نشده‌اند، تعدادی از بزرگان و سخن‌سرایان آذربایجان غربی که در کتابی به همین نام مورد معرفی قرار گرفته‌اند، تحصیل کرده‌ی عثمانی و به ویژه استانبول بوده‌اند (رامیان، ۱۳۷۹: ۷۵). بی‌گمان، مطبوعات و اسناد و کتابخانه‌های ترکیه و خاطرات منتشر نشده‌ی ایرانیانی که در آن دوره در آن سامان زندگی کرده‌اند، در بردارنده‌ی مطالب روشنگر زیادی در این مورد می‌تواند باشد. بعضی از روشنفکران ایرانی که مدتی در عثمانی گذرانده‌اند، به عنوان نمونه در این جا معرفی می‌گردند (رئیس‌نیا، همان: ۱/۸۴۲).

**حاج سیاح محلاتی.** حاج سیاح، به دنبال گشت و گذار در اروپا، در اواخر سال ۱۳۰۲ هجری قمری وارد استانبول شده، به اصرار مصلحت‌گزار سفارت ایران (میرزا جوادخان) چند روزی در استانبول اقامت گزید و مصاحبانش را فیض یاب نمود. به وساطت مقامات سفارت «در خصوص سفارش ایشان از جانب باب عالی به ولایاتی که می‌خواست از آن‌ها بگذرد، توصیه‌نامه‌هایی شرف تسطیر یافت. وی پیش از حرکت از استانبول، از دبستان ایرانیان و تکیه و مکتب حسینه بازدید کرد و میرزا نجفعلی خان نایب اول سفارت او را تا واپور بدرقه نمود. در آن هنگام اظهار نظر شده است که جناب مشارالیه اول سیاحی است از ایران که جمیع ممالک شرق و غرب و امریک را به تفصیل و آگاهی گشته و امروز دانای زبان‌های بسیار از السنه‌ی غربیه و شرقیه هستند...» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۱/۱۳۹).

**معجز شبستری.** میرزا علی معجز شبستری یکی از درخشان‌ترین سیمای ادبیات طنز آذربایجان بوده است. وی پس از مسافرت به استانبول در حدود ۱۶-۱۵ سال در آن شهر به کار کتاب و کاغذ فروشی مشغول شد و در پرتو علاقه‌مندی به مطالعه، با ادبیات



نوین ترک آشنایی به هم رساند و تحت تأثیر اشعار شاعران آزادی خواهی چون نامق کمال، توفیق فکرت، محمد امین یورداقول و ... به سرودن شعر پرداخت. معجز به هنگام زندگی در استانبول یکی از خوانندگان و مبلغان پر شور نشریات گروه های ضد رژیم فعال در خارج از کشور بوده و علاقه اش به مطالعه چنین نشریاتی سبب شده بود که به پاره ای از مسایل مهم روزگار خود با چشم بازتری بنگرد» (توپلایان آیداش، ۱۳۸۵: ۲/۷۵). معجز در آستانه ی جنبش مشروطه به ایران گشت و با مشاهده ی حال زار وطن به نوحه سرایی پرداخت و در نهایت در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در شهر شاهرود وفات یافت (رئیس نیا، همان: ۲/۸۴۶).

**میرزا آقا صاحب قلم.** وی از خوش نویسان چیره دست آذربایجانی و از خاندان افشار ارومیه بوده که پس از گذراندن عمری در زادگاه خود ارومیه، عازم استانبول شده، در آن شهر رحل اقامت افکنده و هنر خود را عرضه داشته است. کتاب گلستان از جمله ی آثار او است (همان جا).

**علی مسیو.** علی مسیو، یکی از آزادی خواهان مترقی و مردمی و از بنیان گذاران مرکز غیبی و پیر مجاهدان در آذربایجان در دوره ی پیش از درگیری جنبش مشروطه، بنا به اقتضای شغلش که تجارت بود، مدت ها در استانبول اقامت داشته و اغلب فرزندان در این شهر متولد شده بودند. حاجی خان، پسر بزرگش، که از رؤسای مجاهدان و معاونان ستارخان بود، در مکتب چینی سازی ییلدیز در اسلامبول با دو نفر طفل ایرانی دیگر تحصیل علم چینی سازی کرده و در آن حرفه مشغول کار بوده است (سرداری نیا، ۱۳۶۳: ۲۴).

**تقی زاده.** تقی زاده در یکی از سخنرانی های خود، تحت عنوان «تهیه ی مقدمات مشروطیت در آذربایجان»، پس از بردن نام های روشنگران ایرانی سرشناس تربیت شده و پناه گرفته و فعال در استانبول، از بعضی سردستگان زمان های بعد و اوایل مشروطیت هم که از عثمانی تأثیری در آنها بود و یا در استانبول چشمشان باز شده بود، مانند آقا سید

محمدشبهستری، حاجی رسول صدقیانی، معتمدالتجار و جمعی دیگر ... که کتب و مقالات ترکی شوری در دل آن‌ها برانگیخته بود، مانند نوشته‌های نامق کمال، ادیب و شاعر آزادی طلب مشهور ترک، و بعدها، نوشته‌های احمدرضا در روزنامه‌ی شورای امت منتشر شده در پاریس و غیره، سخن به میان آورده است (تقی زاده، همان: ۱/۳۷۹).

تقی زاده، که به نمایندگی دوره‌ی اول مجلس انتخاب شده بود، پس از بمباران مجلس و فرار از ایران، در لندن با احمد رضا بیک، ناشر پیشین شورای امت، از نزدیک آشنا شد. احمدرضا بیک که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۰۸ میلادی در عثمانی، به ریاست مجلس مبعوثان رسیده بود، اینک به نمایندگی از طرف دولت اتحاد و ترقی، در رأس هیئت از دولتمردان تازه به قدرت رسیده، از انگلستان بازدید نمود (همان‌جا).

### روزنامه‌ی اختر

درباره‌ی روزنامه‌ی اختر، گروهی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی گرد آمده بودند که معمولاً بدون امضاء و گاه با نام مستعار و ندرتاً به نام خود، در آن مطلب به چاپ می‌رسانده‌اند. منظور از کانون اختر، روزنامه‌ی مذکور و نویسندگان نزدیک و دور آن است که وجه مشترکشان همکاری با آن بوده است. در بین آن‌ها از روشنفکران بورژوا-لیبرال و اصلاح طلب گرفته، تا دموکرات‌های انقلابی مهین پرست وجود داشتند. غالب ایشان نیز فراریان و تبعیدیان و مهاجران آزادی خواهی بودند که در پرتو دوری از دخالت ناروای انطباعات مبارکه و عمله و اکره‌ی استبداد، به کلی در راستای منافع ملی و برای آگاهانیدن مردم قلم می‌زدند (از سر لوحه‌ی روزنامه‌ی اختر). این روزنامه نخستین روزنامه‌ی معتبر فارسی است که در خارج از ایران و در شهر استانبول منتشر شده است، روزنامه‌ای که می‌خواست از هرگونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن بگوید. اختر را آغازگر مطبوعات برون مرزی آزاد و پدر روزنامه‌ی قانون به حساب آورده‌اند، زیرا همین روزنامه بود که نخستین بار از قانون خواهی سخن به میان آورد. در میان مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج دوره‌ی استبداد قاجاری،

روزنامه‌ی اختر از اهمیت خاصی برخوردار بوده، در طی دوره‌ی بیش از ۲۲ ساله‌ی انتشار خود، روزنامه‌نگاری در ایران را وارد مرحله‌ی نوینی نموده و به آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در محافل روشنفکران ایران و نشر اندیشه‌های تجددخواهانه در کشور، کمک شایانی کرده است (رئیس‌نیا، همان: ۱/۲۷۷).

روزنامه‌ی اختر به ابتکار میرزا محسن خان معین‌الملک، سفیر ایران در عثمانی، در آستانه‌ی مشروطیت اول عثمانی برپا گردید و نخستین شماره‌ی آن در ۱۶ ذی‌حجه‌ی ۱۲۹۲ هجری قمری / ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ میلادی انتشار یافت. به دلیل آن‌که زبان فارسی از جایگاه خاصی در عثمانی برخوردار بوده و غالب دولتمردان و ادبا و فضلاء آن دیار با زبان و ادبیات فارسی آشنایی داشته‌اند و زبان فارسی در مدارس آنجا تدریس می‌شده است، هزاران تن از ایرانیان نیز، به دلایل مختلف، مجبور به اقامت در شهرهای عثمانی شده بودند. این همه ضرورت انتشار روزنامه‌ای به زبان فارسی را در آنجا ایجاب می‌کرد (اختر، س ۱۴: ش ۱۶).

اختر، غیر از عثمانی و ایران، در ممالک دیگر و به ویژه هند و قفقاز نیز خوانندگان زیادی داشته و در شهرهایی چون تبریز، تهران، رشت، تفلیس، باکو، بمبئی، مدرس، حیدرآباد، لکنهو، بنگلور، لاهور، کراچی، کربلا، موصل، بیروت و غیره، نمایندگی‌هایی دارا بوده است. روزنامه‌ی اختر موقعیت خاصی داشته؛ در عین حال که از کمک‌های مالی گه‌گاهی دولت ایران برخوردار می‌شده، اما از کنترل آن خارج و از نوعی آزادی عمل برخوردار بوده است (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۱۳).

پس از آشنایی با اختر، نویسندگانی که جزو هیئت تحریریه‌ی آن بودند و یا با آن همکاری پیگیر و مداوم داشتند و نویسندگانی که گاهی مقالاتی برای درج در آن ارسال می‌کردند، عبارت بودند از: ۱. آقا محمدطاهر تبریزی قراچه‌داغی. او یکی از آذربایجانی‌های مقیم استانبول بود که به تجارت اشتغال داشته و بانی و مدیر اختر بوده است. وی پس از توقیف دائمی اختر، چاپخانه‌ی اختر را اداره می‌کرده است. ۲. میرزا

نجفعلی خان دانش تبریزی (خویی). ۳. میرزا مهدی خان اختر. ۴. میرزا مهدی خان دکتر. ۵. حاج زین العابدین مراغه‌ای. ۶. یوسف مستشارالدوله (وی از برجسته‌ترین روشنفکران و روشنگران و مشروطه و قانون خواهان ایران در عصر ناصرالدین شاه و از زمره‌ی نویسندگان روزنامه‌ی اختر بوده است). ۷. میرزا حبیب اصفهانی. ۸. دکتر محمد کفری کرمانشاهی، و دیگران، همگی از جمله‌ی نویسندگان بنام و مطرح روزنامه‌ی اختر (کانون اختر، اختر نویسان) به شمار می‌رفت. این روزنامه که در استانبول چاپ می‌شد، بزرگ‌ترین روزنامه‌ی ملی فارسی زبان بود و ورودش به ایران ممنوع گشته بود، ولی به‌طور قاچاق و خفیه به مجامع ملی می‌رسید.

نویسندگان این روزنامه، سیاستمداران آزادی‌خواهی بودند که در مورد حکومت، قانون و معایب استبداد، به تفصیل قلم فرسایی می‌کردند و از برنامه‌ای که دولت عثمانی و قانون اساسی آن امپراتوری که برای وصول به مدارج عالی‌ی تمدن تعقیب می‌کرد، سخن می‌گفتند. بر این اساس، می‌توان گفت، از مطبوعات ایرانی خارج از کشور که در لندن، کلکته، قاهره و استانبول منتشر می‌شد، روزنامه‌ی اختر چاپ استانبول، در بیداری افکار ایرانیان باید از همه مهم‌تر دانست. این روزنامه نقش مؤثری در برانگیختن مردم علیه استبداد قاجار و دگرگونی سیاسی در محدوده‌ی زمانی پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم و ایجاد حرکت‌های ضد استبدادی ایفا کرد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۲۷۴).

روشنفکران و آزادی‌خواهان ایران که برای تحصیل آزادی و قانون در کشور به کوشش برخاسته بودند، بر اثر فشار دربار، به صورت تبعیدی یا فراری وطن خود را ترک گفته و در استانبول گرد هم آمدند و با استفاده از آزادی و دموکراسی رایج در آنجا، به نشر افکار و عقاید جدید خود پرداختند و در راستای منافع ملی و برای آگاهانیدن مردم کشورشان، از روز پنجشنبه ۱۶ ذی‌حجه سال ۱۲۹۲ الی ۱۳۱۳ هجری قمری، روزنامه اختر را در استانبول منتشر کردند. با نشر روزنامه‌ی اختر در استانبول، افکار آزادی خواهان مخالف با حکومت استبداد و رجال درباری در اقصا نقاط ایران و کشورهای همسایه تأثیر

گذاشت. مدیریت اختر را آقا میرزا محمدطاهر تبریزی به عهده داشت و سردبیر و گرداننده‌ی اصلی امور تحریریه‌ی آن، میرزا مهدی خان معروف به اختر، و منشی اول حاجی میرزا مهدی تبریزی بود. «در ایران تنها روزنامه قابل خواندن اختر نام داشت که به صورت هفتگی در استانبول به چاپ می‌رسید» (براون، ۱۳۶۶: ۴۱۲).

ترتیب مطالب این روزنامه، بنابر اولویت، شامل اخبار سیاسی و سرمقاله بود که به بررسی اوضاع اروپا و تشکیل جناح های سیاسی و پیامدهای نظامی پیش از جنگ اول جهانی و دوره‌ی صلح مسلح می پرداخت. بخش دوم اختر، اختصاص به تلگراف‌ها داشت. اخبار تلگرافی کشورهای خارجی در این بخش درج می‌شد. بخش سوم آن به اخبار اوضاع داخلی و خارجی دولت عثمانی اختصاص می‌یافت، و آخرین بخش این روزنامه به نامه‌هایی مربوط بود که از ایران به اداره‌ی این روزنامه ارسال می‌شد، که اغلب مفهوم قانون و عدالت اجتماعی و تحولات قانون‌گرایی مورد بررسی قرار م‌گرفت (دولت آبادی، همان: ۱/۱۰۴).

### نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده، چنین می‌توان گفت که تجار، با استفاده از روابط و تبادلات اقتصادی فرام آمده میان ایران و عثمانی، بخشی از فرهنگ اخذ شده‌ی عثمانی از طریق اروپا را به ایران منتقل نمودند و به دلیل آنکه عثمانی همانند دروازه‌ی عبور فرهنگ از غرب به سوی شرق می‌بود، به همین دلیل، ابتدا فرهنگ غرب وارد عثمانی می‌شد، و از آنجا، توسط تجار و روشنفکران و روزنامه‌های منتشر شده، به ایران انتقال می‌یافت. از آنجا که روشنفکران و متفکران و سایر گروه‌های تأثیرگذار، از طریق روزنامه‌ها به اشاعه‌ی نظرات و عقاید خود می‌پرداختند، در نتیجه، می‌توان گفت که روزنامه‌ها نقش اول در تأثیرگذاری و روشنگری در افکار عمومی مردم را بر عهده داشته‌اند. سپس به ترتیب، علما و تجار نیز در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گرفتند؛ و بدین گونه، فرهنگ از طریق عثمانی به درون ایران راه پیدا می‌کرده است.

## کتابنامه

## الف. فارسی

۱. آدمیت، فریدون. ۱۳۴۰، **فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطیت**، تهران، سخن.
۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۵: **اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی**، تهران، پیام.
۳. آرزین پور، یحیی. ۱۳۷۲، **از صبا تا نیما**، تهران، زوار.
۴. آوری، پیترو. ۱۳۶۹، **تاریخ معاصر ایران**، ترجمه‌ی محمدرفع مهرآبادی، ج ۱، تهران، عطایی.
۵. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۱، **سلسلی پهلوی و نیروهای مذهبی**، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۶. اشرف، احمد. ۱۳۷۹، **موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره ی قاجاریه**، تهران، زمینه.
۷. بامداد، مهدی. ۱۳۵۷، **شرح حال رجال ایران**، ج ۲، تهران، زوار.
۸. براون، ادوارد. ۱۳۸۶، **تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره ی مشروطیت**، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران، علم.
۹. پیرزاده، محمدعلی بن محمد اسمعیل. ۱۳۶۰، **سفارتنامه ی حاجی پیرزاده**، ج ۲، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، بابک.
۱۰. ترابی فارسانی، سهیلا. ۱۳۸۴، **تجار، مشروطیت و دولت مدرن**، تهران، نشر تاریخ ایران.
۱۱. تقی زاده، سید حسن. ۱۳۷۸، **زندگی طوفانی من**، تهران، فردوس.
۱۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۳۱، **مقالات تقی زاده**، زیر نظر ایرج افشار، ج ۱، تهران، شرکت سهامی افست.

۱۳. توپلایان آیداش، دلی سئل. ۱۳۸۵، **باش چیخاران اولوم (آذربایجان**

**چاغداش سربست شعر آنتولوژی سی)**، تهران، [بی نا].

۱۴. حاج سیاح. ۲۵۳۶، **خاطرات حاج سیاح**، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف

الله گلکار، تهران، چاپخانه ی سپهر.

۱۵. خان ملک ساسانی، احمد. ۱۳۸۶، **یادبودهای سفارت استانبول**، تهران، اساطیر.

۱۶. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۵۴، **اردیبهشت و اشعار چاپ نشده**، تهران، [بی نا].

۱۷. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۷، **حیات یحیی**، تهران، فردوس.

۱۸. رامین، محمود. ۱۳۷۹، **بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی**، ارومیه،

[بی جا].

۱۹. ریاحی، محمدامین. ۱۳۶۹، **زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی**، تهران،

پاژنگ.

۲۰. رئیس نیا، رحیم. ۱۳۷۴، **ایران و عثمانی در آستانه ی قرن بیستم**، تبریز، ستوده.

۲۱. سرداری نیا، صمد. ۱۳۶۳، **نقش مرکز غیبی تبریز در انقلاب مشروطیت**

**ایران**، تبریز، تلاش.

۲۲. سرمد، غلامعلی. ۱۳۷۲، **اعزام محصل به خارج از کشور در دوره ی قاجار**،

تهران، بنیاد.

۲۳. طاهرزاده، بهزاد. ۱۳۳۲، **قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران**، تهران،

اقبال.

۲۴. کسروی، احمد. ۱۳۴۶، **تاریخ مشروطه ی ایران**، تهران، امیرکبیر.

۲۵. لمبتون، آن. ۱۳۷۵، **ایران عصر قاجار**، ترجمه ی سیمین فصیحی، مشهد، انتشارات

جاویدان خرد.

۲۶. معتضد، خسرو. ۱۳۶۶، **حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری**

**صنعتی در ایران**، تهران، جانزاده.

۲۷. ملک‌زاده، مهدی. ۱۳۷۱، **تاریخ انقلاب مشروطه‌ی ایران**، تهران، علمی.

### ب. لاتین

1. Aktep, Munir , 1970 , **Osmanli – Iran munasebatleri 1720 – 1725** , Istanbul , Edebiyat fakultesi matbasi .
2. Kucuk , Cevdet , 1981 , **Iran – Iraq Hududunu belirleyen 1913 tarihi** , Istanbul , protokolu Ataturk'e armagan , Istanbul , I.U edebiyat fakultesi matbasi.

### ج. روزنامه‌ها

۱. **روزنامه‌ی اختر**، س ۱۱، ش ۴، ۱۲ شوال ۱۳۰۲ق الی س ۱۸، ش ۳۹، ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳ق.

### د. مقالات

۱. تقی‌زاده، سیدحسن. ۱۳۳۵، "روابط ایران و ترکیه"، **یغما**، س ۹، ش ۲.